

طراحی مدل عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان دبستانی به ورزش:

یک پژوهش آمیخته

هادی قنبری* ناهید شتاب بوشهری** پروانه شفیع نیا*** یدالله مهرعلیزاده****

چکیده

هدف از این تحقیق ارائه مدلی برای عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان دبستانی به تربیت‌بدنی و ورزش در مدارس استان خوزستان بود. طرح پژوهش به شیوه آمیخته اکتشافی بود. شرکت‌کنندگان پژوهش در مرحله کیفی شامل ۲۵ نفر از خبرگان حوزه ورزش دانش‌آموزی استان خوزستان بودند که مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. داده‌های حاصل از مصاحبه به روش تئوری‌سازی داده‌بنیاد کدگذاری و تجزیه و تحلیل گردید. سپس پرسش‌نامه‌ای مطابق با کدهای بدست آمده طراحی شد. برای روایی پرسشنامه از تکنیک دلفی استفاده شد و پایایی پرسشنامه نیز با آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت. در مرحله کمی شرکت‌کنندگان پژوهش شامل ۲۸۰ نفر معلمان تربیت‌بدنی، کارشناسان تربیت‌بدنی ادارات آموزش و پرورش و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان خوزستان بودند. با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری، مدل پژوهش استخراج و اعتبارسنجی گردید. نتیجه گروه‌بندی کدها، ۵۴ مؤلفه را در سه سطح زمینه‌ای (جامعه و محیط‌زیست)، سازمانی (مدرسه و معلم ورزش) و رفتاری (عوامل فردی و خانواده) نشان داد. طبق مدل برآمده از پژوهش می‌توان گفت که به ترتیب معلم تربیت‌بدنی، عوامل فردی، خانواده، محیط‌زیست، جامعه و مدرسه بیشترین تأثیر را بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش در مدارس داشتند؛ متغیر جامعه علاوه بر تأثیر مستقیم بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش بر متغیرهای عوامل فردی، مدرسه، خانواده و معلم تربیت‌بدنی اثر معنی‌دار داشته‌است؛ متغیر محیط نیز علاوه بر تأثیر مستقیم بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش بر متغیرهای خانواده، مدرسه و عوامل فردی اثر معنی‌دار داشته‌است؛ متغیرهای خانواده و مدرسه نیز به ترتیب بر متغیرهای عوامل فردی و معلم تربیت‌بدنی اثر معنی‌دار داشته‌اند. مدل ارائه شده می‌تواند به عنوان ابزار تحلیلی پیرامون عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان دبستانی به ورزش در مدارس استان خوزستان مبنای عمل قرارگیرد تا بگونه‌ای منطقی و اصولی به حل مشکلات این حوزه از ورزش پرداخت.

واژه‌های کلیدی: ورزش مدارس، ورزش دانش‌آموزی، گرایش به ورزش

* دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

hovar63@yahoo.com

** استادیار گروه رفتار حرکتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

nahid3shetab@yahoo.com

*** دانشیار گروه رفتار حرکتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

pshafineya@yahoo.com

**** استاد علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

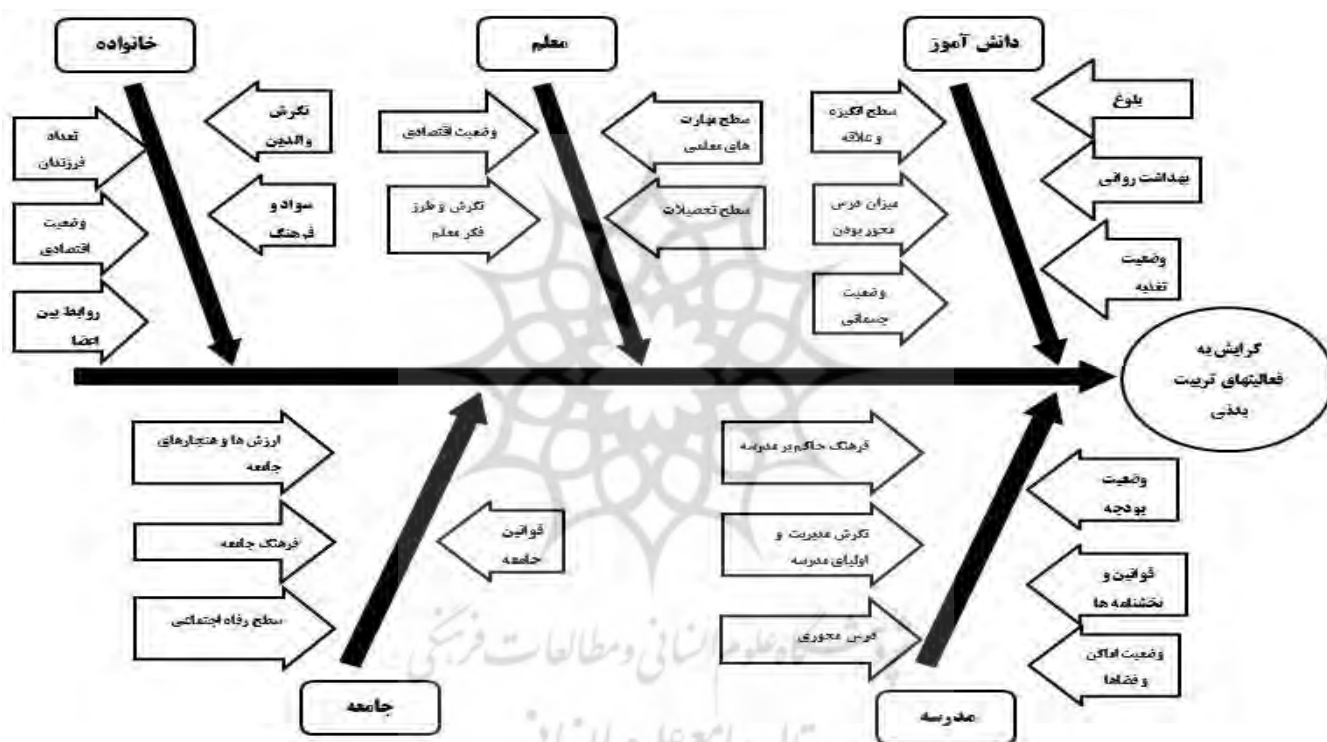
mehralizadeh-y@scu.ac.ir

مقدمه

آموزش و پرورش به عنوان محور توسعه پایدار، وظیفه تربیت نیروی انسانی ماهر جهت کار و تلاش در بازار پر رقابت جهانی و تداوم آموزش آنها را به همراه سایر نهادها و سازمان‌ها به عهده دارد و در عین حال، مأموریت خطیر آماده کردن نسل جوان برای زندگی در قرن بیست و یکم و آموزش مهارت‌های زندگی در ابعاد مختلف را عهده‌دار است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۳). تربیت‌بدنی، بخش مهمی از تعلیم و تربیت است که از طریق حرکت و فعالیت‌های بدنی، جریان رشد را در تمام ابعاد وجودی انسان تسهیل می‌کند و موجب شکوفایی استعدادها می‌شود و به عنوان یک پدیده اجتماعی، به دلیل تنوع در کارکردها، اثرهای متقابلی روی سایر پدیده‌های اجتماعی دارد. توسعه تربیت‌بدنی و ورزش زمینه‌ساز تأمین و تربیت نیروی انسانی سالم است و بخشی از برنامه‌های توسعه ملی به شمار می‌آید. از این رو، ورود ورزش به برنامه‌های توسعه کشور، مستلزم رعایت همه جوانب، آثار و کارکردهای این پدیده مهم است. امروزه، کم‌تحرکی و کاهش میل به ورزش به عنوان یک مسأله اجتماعی در بین جوانان از قشرهای مختلف بالاخص دانش‌آموزان نمود واقعی پیدا کرده است. این مسأله، جامعه شناسان، روانشناسان، و جرم‌شناسان را بر آن داشته است تا در مورد این موضوع که می‌تواند پیامدهای مخربی بر افراد و جامعه داشته باشد به کنکاش و تحقیق بپردازند. از سوی دیگر، بازنگری در فعالیت‌های سایر دستگاه‌های دولتی مرتبط با تربیت‌بدنی مدارس، از جمله وزارت ورزش و جوانان در مرتفع نمودن نیازهای ورزشی جامعه، به‌ویژه دانش‌آموزان بیش از پیش احساس می‌شود. اصلاح و تغییر رویکرد مدیریت از سنتی صرف به پژوهش‌مداری می‌تواند جهت توسعه و ترویج فرهنگ ورزش بین افراد، به‌ویژه دانش‌آموزان تعیین کننده باشد (صادقی، ۱۳۹۳).

در ایران با وجود معاونت تربیت بدنی در وزارت آموزش و پرورش متأسفانه شاهدیم که وضعیت ورزش آموزشی کشور در مقایسه با کشورهای پیشرفته جهان چندان مطلوب نیست و اهمیت توسعه ورزش در مدارس و تأثیر شگرف آن بر توسعه ورزش همگانی و ورزش قهرمانی هنوز مغفول واقع شده است. هاشمی (۱۳۹۳) در تحقیقی که به شناسایی موانع توسعه ورزش‌های پایه در مدارس شهر تهران پرداخت. نتایج تحقیق او حاکی از وجود موانع بسیاری در مسیر توسعه ورزش‌های پایه در مدارس تهران بود. از جمله؛ موانع فرهنگی، موانع مالی، موانع ساختاری، موانع زمانی، موانع انگیزشی، موانع جسمانی-روانی، موانع مدیریتی و برنامه‌ریزی. نتایج تحقیق رضاپور (۱۳۹۲) نیز حاکی از آن بود که بنا به علل مختلفی، نظیر محدودیت‌های فضا و امکانات مدرسه، اهمیت ندادن بسیاری از خانواده‌ها به ورزش در سنین پایه و کمبود نیروی انسانی متخصص، دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی از ورزش و فعالیت‌های بدنی روی گردانند.

با بررسی منابع مختلف داخلی و خارجی، عوامل مؤثر بر فعالیت‌های تربیت بدنی و ورزش مدارس را می‌توان در شکل یک در قالب نمودار استخوان ماهی^۱ شرح داد. مدل مذکور، یک مدل تحلیلی است که به روش فرضی-استقرایی ترسیم شده است و ابعاد ذکر شده بر اساس مطالعه مبانی نظری و پیشینه تحقیق تشریح گردیده‌اند (رخشنده ۱۳۹۲، هاشمی ۱۳۹۳، قاسمی ۱۳۹۳، احمدی ۱۳۹۳، چمبرز^۲ ۱۹۹۱، دنیز^۳ ۲۰۱۳، کاستلانوس^۴ ۲۰۱۵، کوبل^۵ ۲۰۱۵، گرینفیلد^۶ ۲۰۱۵). مدل سطح صفر تحقیق به صورت زیر بنا نهاده شد:



شکل ۱- مدل مفهومی عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش

¹ Fish bone Diagram
² Chambers
³ Deniz
⁴ Castellanos
⁵ Kobel
⁶ Greenfield

در ساختار فوق تنها، عواملی که با مطالعه پیشینه پژوهش شناسایی و استخراج شده اند را می توان مشاهده نمود، اما هنوز میزان اهمیت و تأثیر هر یک و نیز چگونگی و میزان ارتباط این عوامل با یکدیگر ناشناخته است.

تا کنون تحقیق کامل و جامعی که در یک ترکیب یکپارچه و داده بنیاد عوامل اثر گذار بر گرایش دانش آموزان به ورزش در مدارس را شناسایی نموده باشد و در قالب یک مدل ارائه نماید مشاهده نشده است. با شناسایی دقیق این عوامل، باید اهمیت و ارتباط هر یک از آنان را با یکدیگر سنجید و زوایای پنهان و مغفول این بخش زیربنایی ورزش استان و کشور را آشکار نمود تا بر اساس آن بتوان به یک مدل جامع، بومی و عملی دست یافت و به گونه ای منطقی و اصولی به حل مشکلات بی شمار در حوزه آموزش تربیت بدنی پرداخت. مسلماً شناخت عوامل تأثیرگذار بر گرایش دانش آموزان به ورزش در مدارس یک گام زیربنایی در توسعه تربیت بدنی مدارس خواهد بود، چراکه بر این اساس است که می توان مشکلات و کم کاری ها را در بخش های مختلف شناسایی نمود و آنرا معیاری برای اصلاح برنامه های جاری و تدوین برنامه های آتی قرار داد. هدف از انجام این پژوهش طراحی مدلی بر اساس یک چارچوب مفهومی علمی و استوار است که علاوه بر نشان دادن عوامل مورد نظر، نحوه ارتباط و روابط میان آنها را نیز مشخص نماید؛ بدین منظور در پژوهش حاضر براساس سطوح سه گانه «مدل سه شاخگی» به تجزیه و تحلیل عوامل مورد نظر پرداخته شده و سعی بر این بوده است که به یک مدل جامع و قابل توجیه در جهت بومی کردن و بکارگیری دست یافت.

روش پژوهش

در این مطالعه به منظور تبیین دقیق تر، بررسی جنبه های نهفته و همچنین جنبه های مشاهده پذیر ورزش مدارس و تدوین مدل عوامل مؤثر بر گرایش دانش آموزان دبستانی به ورزش در مدارس استان خوزستان از طرح تحقیق آمیخته اکتشافی در دو فاز کیفی و کمی استفاده شد که در فاز اول (کیفی) از تئوری زمینه ای و در فاز دوم از مدلسازی معادلات ساختاری استفاده گردید.

شرکت کنندگان پژوهش

در فاز اول پژوهش (فاز کیفی) با استفاده از روش نمونه گیری گلوله برفی با ۲۵ نفر از خبرگان ورزش دانش آموزی استان خوزستان، شامل معاون و کارشناسان تربیت بدنی اداره کل و ادارت آموزش و پرورش نواحی ۴۱ گانه استان خوزستان، آموزگاران درس تربیت بدنی در مدارس ابتدایی استان خوزستان و اساتید دانشگاه (دارای کتب و یا پژوهش در حوزه ورزش دانش آموزی) مصاحبه انجام

شد. در فاز دوم پژوهش (فاز کمی)، با توجه به حجم جامعه و بر اساس جدول مورگان، با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب، پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته، در میان ۲۸۰ نفر از معلمان تربیت بدنی، کارشناسان تربیت بدنی ادارات آموزش و پرورش و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان خوزستان توزیع و جمع‌آوری شد.

ابزارهای پژوهش

در فاز کیفی پژوهش از مصاحبه عمیق و در فاز کمی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که در زیر به معرفی و شیوه استفاده از آنان پرداخته شده است:

ابتدا لیستی از کارشناسان ورزش مدارس استان خوزستان شامل معاون و کارشناسان تربیت بدنی اداره کل و ادارات آموزش و پرورش نواحی ۴۱ گانه استان خوزستان، آموزگاران درس تربیت بدنی در مدارس ابتدایی استان خوزستان و اساتید دانشگاه (دارای کتب و یا پژوهش در حوزه ورزش دانش‌آموزی)، تهیه و به روش گلوله‌برفی با ۲۵ نفر از آنان مصاحبه عمیق انجام شد. هرچند از مصاحبه پانزدهم به بعد، میزان تکرار در اطلاعات دریافتی افزایش یافت و از مصاحبه بیست و یکم به بعد داده‌ها کاملاً تکراری بوده و به اشباع رسیده بود، اما برای اطمینان تا مصاحبه بیستم و پنجم ادامه یافت. مصاحبه با طرح سؤالاتی در مورد مؤلفه‌های مدل مفهومی آغاز می‌شد و باقی پرسش‌ها بر اساس پاسخ‌های مصاحبه‌شونده طرح می‌شد (چنانچه مصاحبه‌شونده موافقت می‌نمود، مصاحبه او ضبط شده و جهت موشکافی دقیق مجدداً مورد بررسی قرار می‌گرفت)، پس از انجام هر مصاحبه، تجزیه و تحلیل داده‌های آن به منظور پایه‌گذاری مدل صورت می‌گرفت. مراحل تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

گام اول (کدگذاری باز): ابتدا محتوای کلیه مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و سپس کدگذاری باز آن‌ها به روش کدگذاری نکات کلیدی انجام شد. بدین ترتیب که داده‌های جمع‌آوری شده در مصاحبه‌ها به صورت مکتوب بر روی کاغذ درج، سپس با تجزیه و تحلیل خط به خط و پاراگراف به پاراگراف نوشته‌های موجود، کدهای باز ایجاد می‌گردید. در مجموع ۲۴۵ کد باز از تجزیه و تحلیل بیست و پنج مصاحبه به دست آمد.

گام دوم (کدگذاری محوری): کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. هدف از این مرحله، برقراری رابطه بین طبقه‌های تولیدشده (در مرحله کدگذاری باز) است. در کدگذاری محوری، کدهای تولید شده در گام قبلی، به روشی جدید و با هدف ایجاد ارتباط میان کدها، بازنویسی شدند. کدگذاری محوری منجر به ایجاد گروه‌ها و مقوله‌ها می‌گردد؛ تمامی کدهای مشابه در گروه خاص خود قرار گرفتند. بدین منظور تمامی کدهای ایجاد شده دوباره بازبینی

شد و با متون مقایسه گردید تا مطلبی فراموش نگردد. در این فرآیند، ممکن بود چندین کد باز، با عنوان یک کد محوری کد گذاری شوند. ۲۴۵ کد باز استخراجی به ۵۴ کد محوری تبدیل شدند. گام سوم (کدگذاری انتخابی یا مرحله نظریه پردازی): پس از اینکه تمامی داده‌ها به صورت ذکر شده کدگذاری باز و محوری شدند، نوبت به گروه‌بندی آنها می‌رسد؛ در واقع هدف نظریه‌پردازی بنیادی، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به‌طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی بر اساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند. در گروه‌بندی کدها، کدهای محوری مستخرج از مصاحبه‌ها گروه‌بندی شده و سپس گروه‌های ایجاد شده با یکدیگر مقایسه شدند تا گروه‌های اصلی و ابعاد هر یک شناسایی و استخراج گردد. البته در این مرحله مراجعه به ادبیات نظری پژوهش نیز، به هر چه دقیق‌تر شدن گروه‌بندی‌ها، کمک کرد.

سپس پرسش‌نامه‌ای منطبق بر کدهای انتخابی استخراج شده، به تعداد ۵۴ گویه، تنظیم شد که برای فاز دوم تحقیق (فاز کمی) مورد استفاده قرار گرفت. برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه، با استفاده از تکنیک دلفی، در سه راند از ۱۲ نفر متخصص رشته مدیریت ورزشی خواسته شد تا بر اساس مدل فاز اول، گویه‌ها را مورد بررسی قرار دهند. با توجه به نظر متخصصان، تعدادی از گویه‌ها ویرایش و در نهایت همه ۵۴ گویه تایید و با روش لیکرت و ارزش عددی ۱ تا ۵ برای پاسخ هر گویه امتیاز بندی شد. این ۵۴ گویه در سه سطح زمینه‌ای، ساختاری و رفتاری طبقه‌بندی شدند که هر سطح شامل دو مؤلفه اصلی بدین شرح بود: سطح زمینه‌ای: محیط زیست (۲ گویه) و جامعه (۱۳ گویه)؛ سطح ساختاری: مدرسه (۱۳ گویه) و معلم تربیت‌بدنی (۱۱ گویه)؛ سطح رفتاری: خانواده (۷ گویه) و عوامل فردی (۸ گویه).

در پژوهش حاضر برای سنجش پایایی، به صورت پایلوت، پرسشنامه بین ۵۰ نفر کارشناس، آموزگار و استاد تربیت‌بدنی، توزیع و آلفای کرونباخ محاسبه شد؛ ضرایب آلفای کرونباخ به تفکیک عوامل شش‌گانه محیط زیست، جامعه، مدرسه، معلم تربیت‌بدنی، خانواده و عوامل فردی، به ترتیب: ۰/۷۲، ۰/۷۸، ۰/۸۰، ۰/۸۷، ۰/۸۸، ۰/۸۵، به دست آمد که حاکی از پایایی قابل قبول این مؤلفه‌ها بود. با توجه به حجم جامعه و بر اساس جدول مورگان، با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب، پرسشنامه مذکور در میان ۲۸۰ نفر از معلمان تربیت‌بدنی، کارشناسان تربیت‌بدنی ادارات آموزش و پرورش و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان خوزستان توزیع و جمع‌آوری شد. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم افزارهای *smart pls* و *spss* مورد تحلیل قرار گرفت و مدل پژوهش

استخراج و اعتبار سنجی شد. در این پژوهش سعی شده بر اساس فهم پژوهشگران از متن پدیده مورد مطالعه یعنی عوامل مؤثر بر گرایش کودکان دبستانی به ورزش در مدارس استان خوزستان، چارچوب مدل پارادایم به صورت روایتی به شکل ترسیمی نشان داده شود.

یافته‌ها

همانگونه که ذکر شد این پژوهش به روش ترکیبی انجام شده است. لذا یافته‌های پژوهش در دو بخش کیفی و کمی به تفکیک ارائه خواهد شد. در بخش کیفی یافته‌های مربوط به کدها و طبقه‌بندی‌های موجود از تحلیل مصاحبه‌ها ارائه خواهد شد و در بخش کمی نتایج مربوط به تحلیل مسیر مدل پیشنهادی آورده شده است.

یافته‌های کیفی پژوهش

گروه‌بندی کدهای محوری در هر مورد و مقایسه آنها، نشان داد که می‌توان تمامی کدهای به‌دست آمده را در سه گروه اصلی جای داد: ۱. سطح زمینه‌ای: کدهایی که مربوط به بستر و زمینه ورزش مدارس هستند و ورزش مدارس استان خوزستان را در بر می‌گیرند. ۲. سطح سازمانی یا ساختاری: کدهایی که به تشریح سطح اجرایی و بکارگیری سیستم‌های پشتیبانی نرم و سخت جهت پیاده‌سازی ورزش مدارس انجام می‌شود. ۳. سطح رفتاری: کدهایی که مربوط به سطح رویدادهای عینی است و در رابطه با رفتار ورزشی افراد با رویکرد سلامت تعیین می‌شود.

براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به روش تئوری‌سازی داده‌بنیاد مؤلفه‌های سطح زمینه‌ای عبارت‌اند از: جامعه و محیط‌زیست. در جدول شماره ۱ یافته‌های کدهای محوری مربوط به این سطح آورده شده‌اند.

جدول ۱- کدهای محوری مستخرج از کل مصاحبه‌ها مربوط به جامعه

گروه کلی	گروه فرعی	کدهای محوری
سطح زمینه‌ای	جامعه	<ul style="list-style-type: none"> سیاست‌های کلان کشور در امر ورزش مدارس تجهیز پارک‌ها و اماکن ورزشی اطراف مدارس توسط شهرداری‌ها این دیدگاه جامعه که ورزش مانع پیشرفت درسی کودک می شود این دیدگاه جامعه که ورزش موجب آسیب های جسمانی می شود این دیدگاه جامعه که ورزش موجب آموزش خشونت و پرخاشگری می شود برگزاری مسابقات ورزشی درون منطقه ای و استانی طرحهای ملی مانند آموزش شنا، طناب‌رزی، ژیمناست و ... برای پایه‌های مختلف دیدگاه کارشناسان ورزش و مسئولین ادارات آموزش و پرورش مناطق به ورزش مدارس میزان ارزش و اعتمادی که مسئولین و کارشناسان ادارات مناطق برای معلمان تربیت بدنی قائلند
		<ul style="list-style-type: none"> محتوا و کیفیت کتاب‌ها و سرفصل‌های درس تربیت بدنی گسترش ورزش همگانی و همایش‌های ورزشی خانوادگی پخش کارتون‌های ورزشی از تلویزیون پخش مسابقات رشته‌های ورزشی از تلویزیون آلودگی هوای استان و مشکل ریزگردها گرمای طاقت فرسای هوا در بیشتر ماه‌های سال
		محیط زیست

براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به روش تئوری‌سازی داده‌بنیاد مؤلفه های سطح ساختاری عبارت‌اند از: مدرسه و معلم تربیت بدنی. در جدول شماره ۲ یافته‌های مربوط به کدهای محوری مربوط به این سطح آورده شده‌اند.

جدول ۲- کدهای محوری مستخرج از کل مصاحبه‌ها مربوط به معلم تربیت‌بدنی

گروه کلی	گروه فرعی	کدهای محوری	
سطح ساختاری (سازمانی)	مدرسه	<ul style="list-style-type: none"> • بودجه ورزشی و سرانه ورزشی مدرسه • فضا و امکانات ورزشی مدرسه • نگرش مدیران مدارس نسبت به تربیت بدنی و ورزش مدارس • فرهنگ حاکم بر هر مدرسه (مدرسه پویا، مدرسه صمیمی، مدرسه قانون محور و ...) • تشویق دانش‌آموزان ورزشکار توسط اولیای مدرسه • تعداد جلسات درس تربیت بدنی در هفته • دو زبانه بودن دانش‌آموزان و معلمان تربیت‌بدنی • بخشنامه‌ها و اسناد بالادستی ورزشی • نگرش آموزگار اصلی کلاس (نه معلم تربیت‌بدنی) به تربیت‌بدنی و ورزش • برگزاری مسابقات و فوق برنامه‌های ورزشی درون مدرسه • برگزاری مستمر ورزش صبحگاهی • نظارت و ارزشیابی مستمر بر کار معلمان تربیت‌بدنی • نحوه چیدمان زنگ تربیت‌بدنی در برنامه کلاسی (زنگ اول یا دوم یا ...) 	
		معلم تربیت بدنی	<ul style="list-style-type: none"> • وجدان کاری معلم تربیت‌بدنی • رضایت شغلی و رفاه معلم تربیت‌بدنی • نگاه عادلانه و یکسان معلم تربیت‌بدنی به همه دانش‌آموزان • جلوگیری معلم از بروز خشونت و زورگویی کودکان قوی‌تر نسبت به کودکان ضعیف‌تر • نحوه ارزشیابی و نمره دادن معلم تربیت‌بدنی به درس ورزش • روش تدریس معلم تربیت‌بدنی (معلم محور، دانش‌آموزمحور، مشارکتی، فعالیت‌محور و ...) • پوشش ورزشی معلم تربیت‌بدنی و شرکت وی در بازی و تمرین دانش‌آموزان • ایجاد ارتباط مثبت و حسنه معلم تربیت‌بدنی با دانش‌آموزان • اخلاقیت معلم تربیت‌بدنی در امر تدریس تربیت‌بدنی • توجه معلمان تربیت‌بدنی به سطوح رشدی کودکان و رعایت اصل تفاوت‌های فردی در آموزش • علاقه معلم تربیت‌بدنی به آموزش تربیت‌بدنی

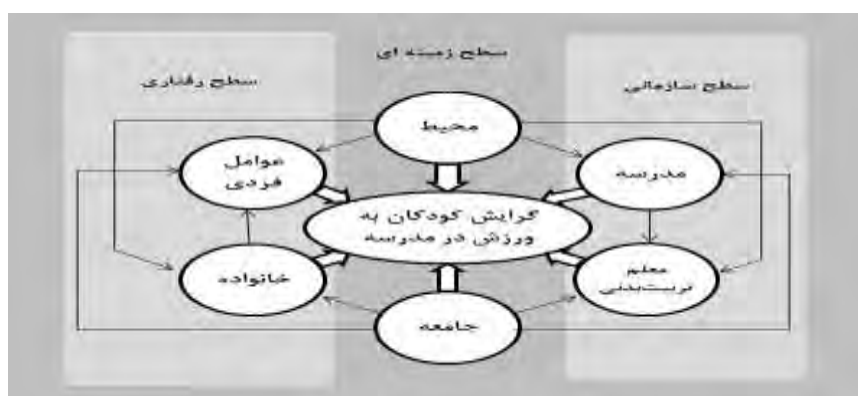
بر اساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به روش تئوری‌سازی داده‌بنیاد مؤلفه‌های سطح رفتاری عبارت‌اند از: فردی و خانوادگی. یافته‌های مربوط به کدهای محوری این سطح در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳- کدهای محوری مستخرج از کل مصاحبه‌ها مربوط به عوامل فردی

گروه کلی	گروه فرعی	کدهای محوری
سطح رفتاری	عوامل فردی (عوامل مربوط به دانش آموز)	• جنسیت کودکان
		• ویژگی‌های جسمانی کودکان (آمادگی جسمانی، قد، وزن، سلامتی و ...)
		• ویژگی‌های شخصیتی کودکان (پرونگرای، درونگرایی و ...)
		• سلامت روانی کودکان
		• علاقه ذاتی کودکان به ورزش
		• استعداد ورزشی کودکان
		• ویژگی‌های گروه دوستان و همسالان کودک
	عوامل مربوط به خانواده	• تجارب حرکتی موفق کودکان در انجام مهارت‌های حرکتی مورد انتظار در کلاس
		• تربیت بدنی
		• سطح سواد و تحصیلات پدر و مادر
		• نگرش خانواده نسبت به ورزش
		• وضعیت اقتصادی خانواده
		• سطح فعالیت بدنی خانواده
		• میزان هزینه خانواده برای ورزش
• تشویق پدر و مادر و اعضای خانواده		
• امکان فعالیت ورزشی کودکان در بیرون از مدرسه		

یافته‌های بخش کمی پژوهش

بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و کمی و ادبیات نظری، اقدام به استخراج و طراحی مدل شد. از جمع‌بندی ادبیات پژوهش برداشت شد که می‌توان اکثر عوامل تأثیرگذار بر گرایش کودکان دبستانی به ورزش در مدرسه را در سه سطح زمینه‌ای، سازمانی و رفتاری جای داد، که این سه سطح مجموعاً شش گروه از عوامل را شامل می‌شوند: ۱. عوامل فردی ۲. عوامل مربوط به خانواده (سطح رفتاری) ۳. عوامل مربوط به مدرسه ۴. عوامل مربوط به معلم تربیت‌بدنی (سطح سازمانی) ۵. عوامل مربوط به جامعه ۶. عوامل مربوط به محیط زیست (سطح زمینه‌ای). در شکل شماره ۱ مدل استخراجی از بخش کیفی به شکل شماتیک آورده شده است.



شکل شماره ۱- روابط مولفه‌های مدل استخراجی از بخش کیفی

در فاز کمی پژوهش به اعتبارسنجی و کیفیت برازش مدل برآمده از پژوهش پرداخته شد. برای این منظور شاخص‌های زیر استفاده و برآورد شد: ۱. آلفای کرونباخ که برای سازگاری درونی اجزاء، استفاده شد در مجموع ۰/۸۹ به دست آمد که میزان قابل قبول و بالایی است. ۲. ضریب AVE که بیان‌کننده میانگین واریانس مشترک بین سازه و نشانگرهایشان می‌باشد، برای تک تک متغیرها بالاتر از ۰/۵ و در مجموع ۰/۶۵ بود، پس روایی مدل مورد قبول قرار گرفت. ۳. ضریب VIF یا عامل تورم واریانس در همه موارد کمتر از ۱ بود بنابراین پیش‌بینی‌های به دست آمده از مدل قابل اعتماد می‌باشند. ۴. ضریب تعیین R^2 که ارتباط بین مقدار واریانس شرح داده شده یک متغیر نهفته را با مقدار کل واریانس آن سنجش می‌نماید، برای همه متغیرهای برونزای تحقیق بالاتر از ۰/۶۷ بود که نشان از برازش خوب مدل به دست آمده می‌باشد. ۵. مقادیر شاخص اعتبار افزونگی (CVR) و شاخص اعتبار اشتراک (CVC)، به ترتیب ۰/۵۷ و ۰/۵۶ بودند که مثبت بودن این اعداد نیز بیانگر کیفیت مناسب مدل می‌باشد. در جدول شماره ۴ شاخص‌های مدل استخراج شده در جدول شماره ۵ ضرایب مسیر و سطح معنی‌داری آنها آورده شده است.

جدول ۴- شاخص های مدل پژوهش

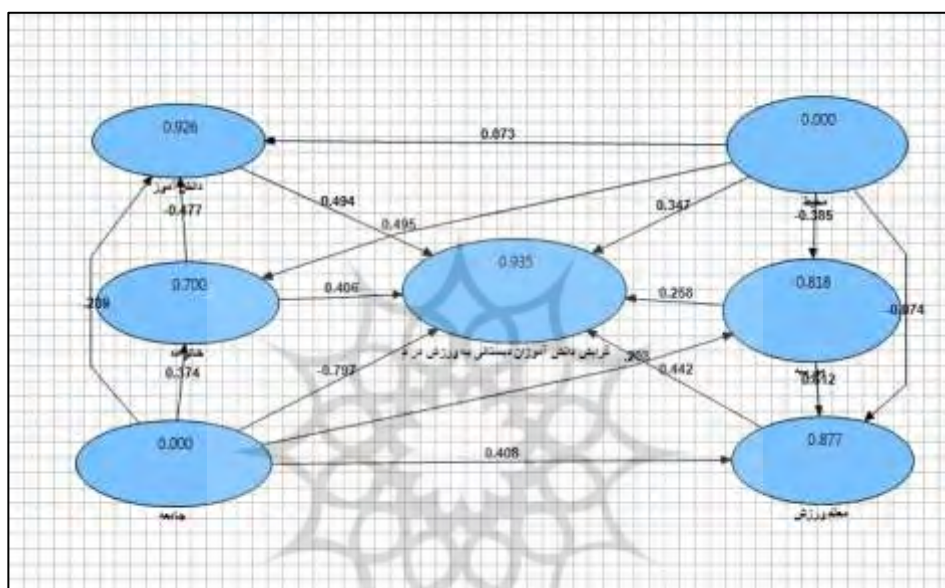
شاخص متغیر	آلفای کرونباخ	میانگین واریانس استخراج شده AVE	هم خطی بین شاخص ها VIF	مجذور R یا R ²	CV-Com	CV-Red
گرایش دانش آموزان دبستانی به ورزش در مدرسه	۰/۸۹	۰/۶۵	۰/۲۳	۰/۹۳	۰/۷۳	۰/۱۱۹
معلم تربیت بدنی	۰/۶۲	۰/۸۴	۰/۱۸	۰/۸۷	۰/۷۵	۰/۲۵
عوامل فردی	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۳۸	۰/۹۶	۰/۰۹	۰/۱۱
خانواده	۰/۶۶	۰/۵۶	۰/۱۴	۰/۷۰	۰/۱۳	۰/۱۳
جامعه	۰/۷۰	۰/۶۲	۰/۲۹	۰	۰/۱۷	۰/۱۱
مدرسه	۰/۷۹	۰/۵۶	۰/۳۷	۰/۸۱	۰/۰۹	۰/۰۹
محیط زیست	۰/۶۱	۰/۷۸	۰/۲۶	۰	۰/۵۶	۰/۵۷

جدول ۵. ضرایب مسیر مدل استخراجی و سطح معنی داری

مسیر	β	مقدار t	P>
معلم تربیت بدنی به گرایش دانش آموزان دبستانی به ورزش در مدرسه	۰/۴۴	۹/۱۷	۰/۰۵
عوامل فردی به گرایش دانش آموزان دبستانی به ورزش در مدرسه	۰/۴۹	۶/۲۲	۰/۰۵
خانواده به گرایش دانش آموزان دبستانی به ورزش در مدرسه	۰/۴۱	۶/۰۷	۰/۰۵
جامعه به گرایش دانش آموزان دبستانی به ورزش در مدرسه	-۰/۷۹	۵/۹۱	۰/۰۵
مدرسه به گرایش دانش آموزان دبستانی به ورزش در مدرسه	۰/۲۵	۳/۲۷	۰/۰۵
محیط به گرایش دانش آموزان دبستانی به ورزش در مدرسه	۰/۳۴	۶/۰۲	۰/۰۵
جامعه به خانواده	۰/۳۴	۸/۳۵	۰/۰۵
جامعه به عوامل فردی	۰/۲۴	۴۳/۲۹	۰/۰۵
جامعه به معلم تربیت بدنی	۰/۴۱	۴/۷۹	۰/۰۵
جامعه به مدرسه	۰/۲۱	۲۳/۳۵	۰/۰۵
خانواده به عوامل فردی	-۰/۴۸	۱۴/۴۱	۰/۰۵
محیط به عوامل فردی	۰/۰۷	۲/۴۷	۰/۰۵
محیط به مدرسه	-۰/۳۸	۶/۴۸	۰/۰۵
محیط به معلم تربیت بدنی	-۰/۰۷	۱/۹۲	۰/۰۵
محیط به خانواده	۰/۵۰	۱۱/۵۸	۰/۰۵
مدرسه به معلم تربیت بدنی	۰/۶۱	۹/۹۱	۰/۰۵

مطابق ضرایب استاندارد مسیر آورده شد در جدول ۵ و بر اساس نمرات t می توان گفت که به ترتیب معلم تربیت بدنی، عوامل فردی، خانواده، محیط زیست، جامعه و مدرسه بیشترین تأثیر را بر گرایش دانش آموزان به ورزش در مدارس داشتند؛ همچنین متغیر جامعه علاوه بر تأثیر مستقیم بر

گرایش دانش‌آموزان به ورزش بر متغیرهای عوامل فردی، مدرسه، خانواده و معلم تربیت‌بدنی اثر معنی‌دار داشته‌است؛ متغیر محیط نیز علاوه بر تأثیر مستقیم بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش بر متغیرهای خانواده، مدرسه و عوامل فردی اثر معنی‌دار داشته‌است؛ متغیرهای خانواده و مدرسه نیز به ترتیب بر متغیرهای عوامل فردی و معلم تربیت‌بدنی اثر معنی‌دار داشته‌اند. در شکل شماره ۲ مدل برازش شده پژوهش آورده شده است.



شکل ۲- مدل برازش شده تحقیق، به همراه ضرایب مسیر

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش طراحی مدلی برای عوامل مؤثر بر گرایش کودکان دبستانی به ورزش در مدارس استان خوزستان بود. یافته‌های پژوهش، شش مؤلفه را در سه قلمرو اصلی (زمینه‌ای، ساختاری و رفتاری)، بر گرایش کودکان به ورزش در مدارس ابتدایی استان خوزستان مؤثر نشان داد.

اولین مؤلفه، جامعه بود که مربوط به سطح میانه‌ای است و که هم به طور مستقیم بر گرایش کودکان به فعالیت بدنی در مدارس تأثیر گذارند و هم به طور غیر مستقیم از طریق تأثیر بر عوامل دیگر نظیر خانواده، مدرسه، معلم تربیت‌بدنی و عوامل فردی بر تمایل و کشش کودکان به فعالیت‌های ورزشی مدارس مؤثرند. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های قاسمی (۱۳۹۳)، هاشمی (۱۳۹۳)، رو^۷ (۲۰۰۹)، دنیز (۲۰۱۳) و کوبل (۲۰۱۵) که آنان نیز بر تأثیر برخی مؤلفه‌های جامعه بر گرایش به ورزش تأکید داشتند، همسو است. در توجیه این یافته می‌توان بیان نمود که جامعه به

عنوان بستری که دربرگیرنده همه پدیده‌های اجتماعی از جمله ورزش است، به‌طور مستقیم و غیر مستقیم تأثیر بسیار زیادی بر حوزه ورزش، از جمله ورزش دانش‌آموزی دارد (دورکیم^۸، ۱۹۸۴). دیدگاه و سیاست‌های کلان کشور در قبال ورزش مدارس، اعتبارات و برنامه‌هایی که برای این حوزه اختصاص داده می‌شود تأثیر بسیار زیادی بر میزان جذب دانش‌آموزان به فعالیت‌های بدنی در مدارس دارد؛ فرهنگ جامعه و نگرش عموم نسبت به اهمیت ورزش و فعالیت بدنی، طرز برخورد رسانه‌ها با این پدیده، دیدگاه مسئولین آموزش و پرورش از سطح وزارتخانه تا مدارس از جمله عوامل کلی و مهم دیگری هستند.

دومین مؤلفه مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش در مدارس استان خوزستان، محیط زیست بود که در سطح زمینه‌ای قرار دارد؛ نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های چمبرز (۱۹۹۱)، گرینفیلد (۲۰۱۵) و برسائو^۹ و همکاران (۲۰۱۶) که آنان نیز بر تأثیر برخی مؤلفه‌های محیط زیست بر گرایش به ورزش تأکید داشتند همسوست. در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود که با توجه به اینکه محیط زیست شامل مجموعه‌ای از عوامل طبیعی کره زمین، همچون هوا، آب، اتمسفر، صخره، گیاهان و غیره می‌باشد که انسان را احاطه کرده است و بر زندگی او تأثیر متقابل دارد (روانشادینیا، ۱۳۹۲)، بنابراین، این مؤلفه از جمله عوامل مهمی است که می‌تواند بطور مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت‌های ورزشی افراد، بالاخص فعالیت‌های ورزشی کودکان در مدارس اثر بگذارد؛ استان خوزستان از این حیث، به لحاظ گرمای طاقت فرسای هوا، آلودگی و مشکل ریزگردها در اکثر مناطق آن، دارای شرایطی خاص می‌باشد؛ عوامل محیطی هم به‌طور غیر مستقیم از طریق عواملی مثل مدرسه، تربیت بدنی، عوامل فردی و خانواده و هم به‌طور مستقیم بر میزان گرایش کودکان دبستانی به ورزش در مدارس استان خوزستان اثر دارد.

سومین مؤلفه مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش در مدارس استان خوزستان، مدرسه بود که در سطح ساختاری قرار دارد. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های جوادی‌پور (۱۳۸۵)، رخشنده (۱۳۹۲)، هاشمی (۱۳۹۳)، فلاح دلاور (۱۳۹۳)، بوکارو^{۱۰} (۲۰۱۲)، کاستلانوس (۲۰۱۵)، گرینفیلد (۲۰۱۵)، هیلز^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۵) و تی سانگاریدو^{۱۲} (۲۰۱۷) همسو می‌باشد؛ در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود که مدرسه پس از خانواده دومین محیط و نهاد اجتماعی می‌باشد که کودک وارد آن می‌شود (دورکیم، ۱۹۸۴)، شاید به علت وجود گروه دوستان و همسالان در مدرسه، جذابیت و کششی که برای فراگیری موضوعات مختلف در این محیط وجود دارد در محیط خانواده کمتر مهیا باشد. در جوامع توسعه‌یافته، از جمله موضوعات آموزشی مهمی که در سنین پایین و در مقطع ابتدایی مورد تأکید قرار می‌گیرد، موضوع تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی است، برای مثال در اکثر مدارس ابتدایی کشور آلمان، برای پایه‌های اول و دوم ابتدایی (و پیش‌دبستانی) هر روز زنگ

تربیت‌بدنی وجود دارد، و برای پایه‌های بالاتر نیز به ترتیب از پنج تا سه جلسه تربیت‌بدنی در هفته در برنامه کلاسی آنان قرار داده می‌شود و زنگ تربیت‌بدنی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (اسمعیلی، ۱۳۸۹)؛ اما در کشور ما، در حال حاضر در مقطع ابتدایی برای کلیه پایه‌ها، دو جلسه تربیت‌بدنی در هفته، در برنامه کلاسی دانش‌آموزان وجود دارد که به عقیده بسیاری از کارشناسان این میزان کافی نبوده و باید به حداقل سه جلسه در هفته ارتقاء یابد؛ علاوه بر این به دلیل کمبود سرانه و بودجه ورزشی مدارس، محدودیت فضا و امکانات ورزشی مناسب، عدم حمایت کافی اولیای مدرسه از فعالیت‌های ورزشی، کم‌اهمیت پنداشتن درس تربیت‌بدنی نسبت به سایر دروس توسط برخی مدیران و عوامل مدرسه و ... جلسات درس تربیت‌بدنی در بسیاری از مدارس از کیفیت لازم برخوردار نمی‌باشد و فعالیت‌های ورزشی فوق برنامه از جمله: ورزش صبحگاهی، مسابقات ورزشی درون مدرسه و برون مدرسه‌ای، اردوهای تفریحی ورزشی و غیره، نیز به نحو کافی و مطلوب برگزار نمی‌گردد؛ این عوامل تأثیر بسیاری هم بر کیفیت کار معلمان تربیت‌بدنی و هم بر میزان گرایش کودکان به فعالیت‌های ورزشی در مدارس دارد.

چهارمین مؤلفه مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش در مدارس استان خوزستان، معلم تربیت‌بدنی بود که در سطح ساختاری قرار دارد؛ نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های رخشنده (۱۳۹۲)، احمدی (۱۳۹۳)، فلاح دلاور (۱۳۹۳)، چمبرز (۱۹۹۱)، کاستلانوس (۲۰۱۵)، چانگ^{۱۳} و همکاران (۲۰۱۶) و پاول^{۱۴} و همکاران (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود که به باور بسیاری از صاحب‌نظران علم روان‌شناسی و علوم تربیتی، معلم به عنوان یک الگو برای کودکان، یکی از مؤثرترین و با نفوذترین افرادی است که بر روی شکل‌گیری شخصیت و رفتار کودکان، اثرگذار است (اقدسی، ۱۳۹۲)؛ در این میان معلمان تربیت‌بدنی به سبب ارتباط عاطفی عمیقی که در زنگ تربیت‌بدنی با کودکان برقرار می‌کنند و جذابیتی که فعالیت‌های ورزشی برای کودکان دارد، جایگاه ویژه‌ای دارند. نتایج برآمده از این پژوهش نشان داد که از بین شش دسته عوامل کلی و مهمی که بر روی گرایش کودکان به فعالیت بدنی و ورزش تأثیر دارند، معلم تربیت‌بدنی بیشترین تأثیر را دارد؛ این اثرگذاری حتی از عوامل فردی و خانوادگی نیز بیشتر بوده است. این نتایج نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه معلمان تربیت‌بدنی در این خصوص می‌باشد؛ بنابراین جذب معلمان کاردان و کارآمد، آموزش و حمایت کافی از آنان، توجه به معیشت و رضایت شغلی آنان و هدایت و نظارت مستمر بر کار آنان از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که حائز اهمیت بوده و با تأثیر مستقیم بر کیفیت کار معلمان تربیت‌بدنی، بر گرایش کودکان دبستانی به ورزش در مدارس نیز مؤثرند.

پنجمین مؤلفه مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش در مدارس استان خوزستان، خانواده بود که در سطح رفتاری قرار دارد؛ نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های کوبل (۲۰۱۵) و گرینفیلد (۲۰۱۵) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود که خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی که فرد را مورد حمایت قرار می‌دهد بر روی کلیه کنش‌های اجتماعی فرد، به‌ویژه در سنین پایین تأثیرگذار است؛ سطح سواد و تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی خانواده، نگرش اعضای خانواده به فعالیت‌بدنی و ورزش، سبک زندگی و سطح فعالیت‌بدنی اعضای خانواده، میزان هزینه خانواده برای ورزش و غیره، از جمله عواملی هستند که هم بر روی شکل‌گیری برخی ویژگی‌های شخصیتی کودکان و هم بر روی ارتقای سطح فعالیت‌بدنی و گرایش آنان به ورزش در مدرسه و خارج از مدرسه مؤثرند.

ششمین مؤلفه مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش در مدارس استان خوزستان، عوامل فردی بود که در سطح رفتاری قرار دارد؛ نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های هاشمی (۱۳۹۳)، چمبرز (۱۹۹۱)، کوبل (۲۰۱۵) و دریک^{۱۵} (۲۰۱۵) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود که عوامل فردی بر روی کلیه رفتارهای هر فرد تأثیر مستقیم دارد؛ منظور از عوامل فردی در مدل استخراج شده از پژوهش، عواملی هستند که یا منشأ ژنتیکی دارند و یا مربوط به تجارب و ویژگی‌های مختص به هر فرد می‌باشند، این عوامل ارجحیت یا علاقه به ورزش و فعالیت‌های بدنی را در بر می‌گیرند (پارک، ۲۰۰۴)؛ عواملی مثل: جنسیت، ویژگی‌های شخصیتی، میزان سلامت روانی، میزان علاقه‌مندی به فعالیت‌های بدنی، سطح استعداد ورزشی، تجارب حرکتی کودک، ویژگی‌های گروه دوستان و همسالان کودک و غیره، مواردی هستند که باعث می‌شوند برخی کودکان گرایش بیشتری به فعالیت‌های بدنی نشان دهند و برخی کمتر؛ برخی از عوامل، ژنتیکی بوده و امکان تغییر در آن‌ها وجود ندارد، اما برخی دیگر اکتسابی بوده و قابل تغییر می‌باشند.

مدل ارائه شده می‌تواند به عنوان ابزار تحلیلی عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان دبستانی به ورزش در مدارس استان خوزستان مبنای عمل قرارگیرد تا بگونه‌ای منطقی و اصولی به حل مشکلات این حوزه از ورزش پرداخت.

منابع

- احمدی، احمد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک‌های رهبری دبیران تربیت بدنی و انگیزه‌های ورزشی دانش‌آموزان ورزشکار شهرستان فریمان، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام رضا. اداره فناوری و ارزیابی عملکرد معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۴). برنامه‌ها و فعالیت‌های معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش. ادوارد، ج. ای.، تامپسون، ام. دی.، رزن، فلد پی. (۱۹۹۰). تحقیق پیمایشی (راهنمای عمل)، مترجمان: اعرابی م، ایزدی د. (۱۳۷۹)، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اسماعیلی، محمدرضا. (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی برنامه درسی تربیت بدنی دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه ایران و کشورهای منتخب جهان و ارائه الگوی مناسب برای تدوین راهنمای برنامه درسی تربیت بدنی، مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی، گروه تربیت بدنی.
- اقدسی، سمانه، کیامنش، علیرضا، مهدوی هزاوه، منصوره، صفرخانی، مریم. (۱۳۹۲). تعامل معلم-دانش‌آموز در کلاس درس مدارس موفق و ناموفق، فصل‌نامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۱۹. ۹۳-۱۲۰.
- جوادی پور، محمد. (۱۳۸۵). طراحی و اعتبار بخشی الگوی برنامه درسی تربیت بدنی در مدارس ابتدایی ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- دورکیم، ا. (۱۸۹۴). قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، ۱۳۸۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رخشنده، سبحان. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر کارایی درس تربیت بدنی و ورزش از دیدگاه معلمان تربیت بدنی و مدیران مدارس شهرستان تنکابن، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رضاپور، محمد. (۱۳۹۲). زنگ ورزش، زنگ آخر، روزنامه جام جم، شماره ۳۷۹۳، بیست و هفتم شهریورماه ۱۳۹۲، صفحه ۱۰.
- روان‌شادنی، مهدی. (۱۳۹۲). مرجع مدیریت ایمنی در پروژه‌های عمرانی، تهران، نشر سیمای دانش.

- صادقی، علی. (۱۳۹۳). بررسی موانع، محدودیت‌ها و راه‌های توسعه و تقویت ورزش در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های استان ایلام. طرح پژوهشی اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام. فلاح دلاور، مرضیه. (۱۳۹۳). رابطه بین حمایت مدیران مدارس از ورزش مدارس با ابعاد تعهد حرفه‌ای معلمان ورزش، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- قاسمی، نعمت. (۱۳۹۳). بررسی علل و عوامل مؤثر بر میزان گرایش دانش‌آموزان ابتدایی، راهنمایی، متوسطه به ورزش در رشته‌های مختلف و در سطوح همگانی، حرفه‌ای و قهرمانی در سطح استان ایلام، طرح پژوهشی اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام.
- مهرعلیزاده، یدالله. (۱۳۸۴). روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و آزمون فرضیه در علوم اجتماعی و مدیریت با نرم‌افزار SPSS در محیط ویندوز، تهران، انتشارات آییژ.
- مهرعلیزاده، یدالله. (۱۳۹۳). بررسی عملکرد مدارس هیئت امنایی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ششم، سال ۲۱، شماره ۱، ۲۰-۵.
- میرزایی اهرنجانی، حسن. (۱۳۷۷). طراحی مدلی برای تبیین عوامل مؤثر بر وجدان کاری و انضباط اجتماعی، مجموعه مقالات سمینار و جردان کاری و انضباط اجتماعی، قزوین، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- میرزایی اهرنجانی، حسن، امیری، مجتبی. (۱۳۸۱). ارائه مدل سه بعدی تحلیل مبانی فلسفی و زیرساخت‌های بنیادین تئوری‌های مدیریت. دانش مدیریت، ۵۶، ۲۱-۳.
- وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۳). کلیات طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش.
- هاشمی، صدیقه. (۱۳۹۳). شناسایی موانع توسعه ورزش‌های پایه در مدارس شهر تهران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

Bocarro, A. & Jason, N. (2012). School sportpolicyandschool-based physical activity environments and their association with observed physical activity in middle school children. *International Journal of Health &Place*, 18, 31–38.

Brusseau, T. & Burns, R. (2016). Contextual factors related to physical activity during daily middle school physical education. *Journal of Science and Medicine in Sport*. 19, 733–737.

Castellanos, C.A., Levy, T.S., Escalante, E., Morales-Ruan, M.D. & Aguilar, A.J. (2015). Development of an educational intervention to promote healthy eating and physical activity in Mexican school-age children. *International Journal of Evaluation and Program Planning*, 52, 159–168.

- Chambers, S. (1991). Factors affecting elementary school students' participation in sports. *The Elementary School Journal*, 91, 413-419.
- Chang, Y., Chen, S., Tu, k., Chi, L. (2016). Effect of Autonomy Support on Self-Determined Motivation in Elementary Physical Education. *Journal of Sports Science and Medicine*. 15(1), 460-466.
- Deniz, S. & Yenal, F. (2013). The structural analysis of physical education and sports system in the turkish republic of northern cyprus, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 89, 772 – 780.
- Drake, M. & Keith, M. (2015). High school sports programs differentially impact participation by sex. *Journal of Sport and Health*, 4, 282-288.
- Greenfield, J.R.F., Almond, M., Clarke, G.P. & Edwards, K.L. (2015). Factors affecting school physical education provision in England: a cross-sectional analysis. *Journal of Public Health Advance*, 19, 1-7.
- Hills, A., Dengel, D. & Lubans, R. (2015). Supporting Public Health Priorities: Recommendations for Physical Education and Physical Activity Promotion in Schools. *Progress in Cardiovascular Diseases*. 57(4), 368-374.
- Kobel, S., Kettner, S., Keszyüs, D., Erkelenz, N., Drenowatz, C. & Steinacker, J.M. (2015). Correlates of habitual physical activity and organized sports in German primary school children. *Public Health*, 129, 237-243.
- Park, S. (2004). Constraints to recreation sport participation for adolescents exposed to internet-related delinquency: developing marketing strategies for increasing sport participation. *International Journal of Applied Sport Sciences*. 16(1), 41-54.
- Powell, E., Lorayne, A., Woodfield, b. & Alan, M. (2016). Increasing physical activity levels in primary school physical education: The SHARP Principles Model. *Nevillc. Preventive Medicine Reports*. 3, 7-13.
- Rowe Nicholas f. (2009). The active people survey: a catalyst for transforming evidence based sport policy in England. *International Journal of Sport Policy*, 1, 89-98.
- Tsangaridou, N. (2017). Early childhood teachers' views about teaching physical education: challenges and recommendations. *Journal of Physical Education and Sport Pedagogy*. 14(5), 1-18.

Extended Abstract

Designing a Model for Factors Affecting the Tendency of Elementary School Students to Sport

**Hadi Ghanbari¹ Nahid Shetabbushehri²
Parvaneh Shafiniya³ Yadollah Mehralizadeh⁴**

Shahid Chamran University of Ahvaz

Introduction

Physical education is an important part of education that helps human development in all aspects through physical activity and movement and it can boost talent. Moreover, as a social phenomenon, due to the diversity of its functions, it has reciprocal effects on other social phenomena. Therefore, the development of physical education and sport is a way to deal with the problem of inactivity and complications and to provide the basis for providing a healthy manpower, which is part of the National Development Plan. Hence, the expansion of physical education and sports at schools is one of the most important measures taken to develop other sports sectors in the country. The purpose of this paper is to design a model for the factors affecting the tendency of elementary school students to do sports in schools in Khuzestan province.

Research Questions

1. Which factors influence on the tendency of primary school students to exercise at schools in Khuzestan province?
2. What is the relationship among the factors affecting the tendency of primary school students to exercise in schools in Khuzestan province?
3. How is that the model of factors influencing the tendency of primary school students to exercise in schools in Khuzestan province?
4. Is the model extracted from the research valid?

Methodology

For this purpose, the researchers referred to experts in the field of student sports in Khuzestan province and began to collect information from them through in-depth interviews. They then coded and analyzed data from twenty-five of the interviews using grounded theory. Following that, based on the codes and the criteria identified in the analysis of the interviews, a questionnaire was designed and distributed among the 280 school sports specialists participating in the study. Finally, the collected data was analyzed using spss and Smart PLS software and the research model was extracted and validated.

Results

The results of the code classification showed 54 components at three main levels: background level, organizational level, and behavioral level. The background level has two main sub-themes: community and environment; the organizational level has two main sub-categories: the school and teacher of physical education and two sub-branches were identified at the behavioral level: individual factors and family. According to the model that emerged from the research, it could be said that respectively, teacher of

physical education, personal factors, family, environment, community and school, had the greatest effect on the elementary students' tendency to do sports. The community variable, on the other hand, had a significant impact on other variables, including the individual factors, as well as the school, family and teacher of physical education. The environment, on the other hand, besides its direct impact on elementary students' tendency to play sports, had a significant effect on the family, school and the individual factors. The family variable, in addition to its direct impact on elementary students' tendency to play sports, had a significant effect on the variable of individual factors. On the other hand, the school variable, in further to its direct impact on the elementary students' tendency to play sports, had a significant effect on the variable of the teacher of physical education.

Discussion and Conclusion

The presented model can be used as the analytical tool for identifying the factors affecting the tendency of elementary schools students to play sports at school in Khuzestan province so that it will be possible to solve the problems of this field reasonably and principally.

The model, developed according to the opinion of sports experts in Khuzestan province, can be used to analyze the practice of physical education and sport at schools in Khuzestan province. It can clearly specify the factors affecting the students' practice of sports in the stated context and how these factors interact with each other.

This model, being special to Khuzestan province, provides an appropriate framework for the future research on this topic, and serve as a base for action to be taken to enhance the students' engagement in sports and physical education. It is now the job of the policy makers and stakeholders to set policies and design programs related to each of the three components (background, organizational, and behavioral) identified in the proposed framework, to promote physical education and sports at schools. This could ultimately result in the sustainable development of the country.

Keywords: sports schools, student sport, tendency to sport.

-
1. (Corresponding author) Ph.D student of sport management, Shahid Chamran University of Ahvaz. Email: hovar63@yahoo.com
 2. Assistant Professor of Motor Behavior department, Shahid Chamran University of Ahvaz. Email: nahid3shetab@yahoo.com
 3. Associate Professor of Motor Behavior department, Shahid Chamran University of Ahvaz. Email: pshafineya@yahoo.com
 4. Professor of Educational Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz. Email: mehralizadeh-y@scu.ac.ir